

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# فقه استدلالی ۳

سطح ۲

## درس ۵۴

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین امینی

آموزشیار: آقای خادمی

## مقدمه

در ادامه مباحث خيارات، خيار تأخير به عنوان هفتمين قسم از اقسام آن در اين درس مورد بحث و بررسي قرار خواهد گرفت. اين خيار مختص به عقد بيع مي باشد که در صورت تأخير مشتري در پرداخت ثمن با شرايطي که تفصيل آن بيان مي گردد، براي بايع ثابت خواهد شد.

به مناسبت ذکر احکام خيار تأخير به پاسخ اين سوال نيز پرداخته خواهد شد که آیا تسليم عوضين بعد از اتمام عقد بايد به صورت فوري انجام پذيرد يا تأخير در تسليم آن جائز است؟

جواز فسخ معامله در صورت امتناع هر يك از فروشنده و مشتري از مسائل ديگري است که در ضمن مباحث اين خيار مطرح و مستند آن ارائه مي گردد.

بررسي سند و دلالت صحيحه زرايه به عنوان دليل ثبوت خيار تأخير يکي از مباحث مهم و قابل توجه اين درس مي باشد.

در درس پيش رو مستندات احکام و شرايط خيار تأخير مانند اشتراط عدم قبض عوضين و عدم اشتراط تأخير مورد بحث قرار خواهد گرفت و با بيان دليل جواز فسخ معامله در صورت امتناع از تسليم عوض توسط هر يك از متعاملين و عدم اختصاص آن به عقد بيع بر خلاف خيار تأخير، مباحث مربوط به اين خيار به اتمام مي رسد. احکام خيارات با موضوع «خيار رؤيت» در درس آتي دنبال خواهد شد.

## متن عربى

## ٧- خيار التأخير

من باع من دون قبض العوضين و لا أحدهما و ترك المشتري عنده المبيع الى ان ياتي به بالثمن، فالبيع عليه لازم ثلاثة ايام و له الفسخ بعدها ما دام لم يشترط تأخير قبضهما أو أحدهما. و يصطلح عليه بخيار التأخير. و متى ما تمت المعاملة يلزم تسليم العوضين بعدها، فاذا امتنع احدهما كان للآخر الفسخ، و لا يختص هذا بالبيع بخلاف ما سبق.

و المستند فى ذلك:

١- اما ثبوت الخيار بالتأخير، فلا إشكال فيه فى الجملة. و هو المشهور. و تدلّ عليه صحيحة زرارة عن أبى جعفر عليه السلام: «الرجل يشتري من الرجل المتاع ثم يدعه عنده فيقول حتى آتيك بثمنه. قال: ان جاء فيما بينه و بين ثلاثة أيّام و الا فلا بيع له» و غيرها.

و لا يضر ضعفها بعلى بن حديد فى أحد طريقى الكلينى بعد سلامة الآخر، بل بقيّة طرقها من ذلك.

و قد يقال: ان نفى الإمام عليه السلام البيع بقوله: «و الا فلا بيع له» يدل على بطلان البيع اما من الأساس أو بعد الثلاثة دون ثبوت الخيار للبائع، و بذلك لا تكون دالّة على ما ذهب إليه المشهور.

و يمكن الجواب بان المقصود تسهيل الأمر على البائع و هو يتحقّق بنفى اللزوم من ناحيته، كيف و هل يحتمل ان البائع لا يحق له الانتظار أكثر من ثلاثة متبرّعا؟

٢- و اما اشتراط عدم قبض العوضين و لا أحدهما و ترك المشتري المبيع لدى البائع الى ان يجيئه بالثمن، فللتصريح بذلك فى الصحيحة المتقدّمة.

٣- و اما اعتبار عدم اشتراط التأخير، فلأن ذلك هو المنصرف من الصحيحة.

٤- و اما انه يلزم تسليم العوضين بعد تمامية المعاملة، فلأن كل طرف يملك بالمعاملة ما انتقل إليه فالتأخير من دون رضاه غير جائز الا مع الانصراف اليه، و هو غير ثابت بل الثابت عكسه.

٥- و اما انه يحق للآخر الفسخ على تقدير امتناع أحدهما، فذلك للاشتراط الضمنى على احتفاظ كل منهما الخيار لنفسه على تقدير امتناع الآخر من التسليم.

٦- و اما اختصاص خيار التأخير بالبيع، فلاختصاص صحيحة زرارة السابقة و غيرها به، و هذا بخلاف جواز الفسخ على تقدير امتناع أحدهما من التسليم، فان نكته عامة لغير البيع أيضا.

## خيار تاخير

خيار تاخير عبارت است از تسلط فروشنده بر فسخ عقد پس از سه روز در صورتی که خریدار در اين مدت بهای کالا را نپردازد.<sup>۱</sup>

فروشنده‌ای که کالایی را فروخته ولی هنوز آن را به خریدار تحویل نداده و بهای آن را نیز نگرفته است چنانچه شرط تاخير پرداخت بها و کالا نشده باشد، معامله تا سه روز برای او لازم است و در صورت پرداخت بها از سوی خریدار در اين مدت، کالا تحویل وی می‌گردد؛ اما اگر سه روز بگذرد و بها پرداخت نگردد، فروشنده خيار فسخ معامله را دارد.

### جواز فسخ معامله در صورت امتناع از تسليم عوض

هر گاه معامله‌ای انجام شود بر هر کدام از متعاقدين لازم است که عوض را به طرف مقابل تسليم کند و اگر هر یک از ایشان از تسليم آن امتناع کنند، طرف مقابل حق فسخ معامله را خواهد داشت.

### اختصاص خيار تاخير به عقد بيع

خيار تاخير به عقد بيع اختصاص دارد و در عقود ديگر ثابت نيست. اما جواز فسخ معامله در صورت امتناع هر یک از متعاقدين از تسليم عوض به طرف مقابل اختصاصی به عقد بيع ندارد و شامل تمام عقود می‌شود.

<p>جواز فسخ معامله توسط بايع در صورت تاخير خریدار در تحویل ثمن بعد از سه روز. اعتبار عدم قبض عوضين و عدم اشتراط تاخير در قبض آن توسط طرفين در ثبوت خيار تاخير. اختصاص خيار تاخير به عقد بيع.</p>	}	<p>FG احكام خيار تاخير</p>
--	---	--------------------------------

### تطبيق

۷- خيار التأخير

۷- خيار تاخير

من باع من دون قبض العوضين و لا أحدهما و ترك المشتري عنده المبيع الى ان ياتيه بالثمن، فالبيع عليه لازم ثلاثة ايام و له الفسخ بعدها ما دام لم يشترط تأخير قبضهما أو أحدهما. و يصطلح عليه بخيار التأخير.  
کسی که بيع کند بدون اين که عوضين و نه یکی از آن دو، قبض شود و مشتری جنس را نزد او رها کند تا اين که ثمن آن را بياورد، پس اين بيع تا سه روز بر بايع لازم است و بعد از آن می‌تواند فسخ کند مادامی که شرط تاخير تحویل عوضين يا یکی از آنها را قرار نداده باشد. و به اين حق، در اصطلاح خيار تاخير گفته می‌شود.

۱. درباره خيار تاخير مسائل ديگری نیز وجود دارد که دانش‌پژوهان می‌توانند برای آگاهی از آن به کتب فقهی ديگر مراجعه کنند. به چند نمونه از اين مسائل اشاره می‌شود: در اینکه آغاز سه روز از زمان عقد است يا از زمان جدا شدن دو طرف معامله از یکديگر، اختلاف است. مدت سه روز بنابر مشهور همه انواع کالا- اعم از حيوان و غير حيوان- را در بر می‌گیرد. برخی قداما برای کنيز، مدت را یک ماه دانسته‌اند. در اینکه خيار تاخير فوريت دارد يا تراخي، اختلاف است. بنابر قول دوم، با تاخير در اعمال حق خيار، خيار ساقط نمی‌شود. «فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بيت عليهم السلام، ج ۳، ص: ۵۴۲».

و متى ما تمّت المعاملة يلزم تسليم العوضين بعدها، فاذا امتنع احدهما كان للآخر الفسخ، و لا يختص هذا بالبيع بخلاف ما سبق.

و هر زمان که معامله تمام شود تحویل عوضین بعد از آن لازم است، پس اگر یکی از آن‌ها خودداری کند برای دیگری حق فسخ خواهد بود، و این به خلاف آن چه گذشت، به بیع اختصاص ندارد.

Sco ۱۰۶:۲۶

## مستندات ثبوت خیار تأخیر

### ۱. شهرت

طبق نظر مشهور فقهاء خیار تأخیر ثابت است و اشکالی در ثبوت آن اجمالاً وجود ندارد.

### ۲. صحیحۀ زراره

زراره از امام باقر علیه‌السلام نقل می‌کند که امام علیه‌السلام درباره کسی که کالائی را خریده و آن را در نزد فروشنده رها کرده تا بهای آن را بیاورد، فرموده‌اند: اگر از آن زمان تا سه روز بهای آن را آورد که معامله تمام خواهد بود و اگر تا سه روز بهای آن را نیاورد، بیع برای او ثابت نخواهد بود.

### بررسی صحیحۀ زراره

#### اشکال سندی

مرحوم کلینی این روایت را در کافی از «علی بن حدید» نقل می‌کند که این شخص در کتب رجالی تضعیف شده است و با وجود او سند روایت ضعیف به شمار می‌آید.

#### جواب

در کتاب کافی این روایت با سند دیگری نیز نقل شده است که در آن علی بن حدید وجود ندارد. علاوه بر این که روایت در کتب روائی دیگر نیز بدون وجود علی بن حدید در سلسله سند آن نقل شده است. در نتیجه سند این روایت در نقل دوم کتاب کافی و کتب روائی دیگر از ضعف سندی مصون است.<sup>۱</sup>

#### اشکال دلالتی

در این روایت از تعبیر امام علیه‌السلام «و الا فلا بیع له» در واقع بطلان بیع از ابتداء یا بعد سه روز استفاده می‌شود. لذا از این روایت ثبوت خیار برای بائع قابل اثبات نیست و در نتیجه نمی‌تواند مستندی برای فتوای مشهور باشد.

۱. برای نفی اشکال از ثبوت خیار تأخیر تعبیر «اجمالاً» به کار برده شده است، زیرا هر چند اصل ثبوت خیار تأخیر بدون اشکال و مطابق با فتوای مشهور فقهاء می‌باشد و لکن در فروع و احکام آن اختلافاتی وجود دارد، مثلاً در اینکه آغاز سه روز از زمان عقد است یا از زمان جدا شدن دو طرف معامله از یکدیگر، اختلاف است یا همان گونه که گذشت در فوریت یا تراخی خیار تأخیر نیز اختلاف نظر وجود دارد.

۲. این روایت در کتاب کافی جلد ۵ ص ۱۷۱ باب الشرط و الخیار فی البیع حدیث ۴ با این سند نقل شده است: علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن ابی عمیر عن جمیل و ابن بکیر عن زرارة عن ابی عبدالله علیه‌السلام. البته در این نقل به جای «حتی آتیک» تعبیر «حتی تأتیک» آورده شده است. در کتاب من لایحضره الفقیه جلد سوم صفحه ۲۰۲ نیز این روایت با سند صحیح نقل شده است.

## جواب

با تأخیر مشتری در پرداخت ثمن، بایع در یک تنگنا و مضایقه‌ای قرار گرفته است زیرا از طرفی کالای خود را فروخته و از طرف دیگر در مقابل آن عوضی را دریافت نکرده است. لذا امام علیه‌السلام با این حکم در مقام آسان ساختن امر برای بایع می‌باشد و این تسهیل با نفی لزوم معامله از جانب بایع محقق می‌شود. و در مقابل کسانی که از روایت این استفاده را کرده‌اند که بر بطلان بیع از اساس یا بعد از سه روز دلالت می‌کند باید گفته شود که آیا این احتمال وجود دارد که بایع در این گونه موارد حق انتظار حتی بیش از سه روز را نداشته باشد؟! و اگر او به معامله حتی در صورت تأخیر پرداخت ثمن بیش از سه روز راضی باشد، باز معامله باطل است؟! مسلماً این احتمال محکوم به بطلان است و این حق برای بایع محفوظ می‌باشد و در صورت عدم رضایت این حق برای او وجود دارد که معامله را فسخ کند.

FG

اشکال‌های سند: تضعیف سند به دلیل وجود علی بن حدید در سلسله سند.  
 جواب: سلامت سند دیگر کافی و سندهای دیگر این روایت از وجود علی بن حدید.  
 اشکال دلالتی: دلالت «و الا فلا بیع له» بر بطلان معامله از اساس یا بعد از سه روز.  
 جواب: ظهور روایت در تسهیل امر بر بایع و بطلان احتمال عدم حق انتظار برای بایع.

اشکالات صحیحه زراره و جواب مصنف از آنها

## تطبیق

و المستند فی ذلک

و مستند در آن احکام

۱- اما ثبوت الخيار بالتأخیر، فلا إشکال فیہ فی الجملة. و هو المشهور.

۱- اما ثابت بودن خيار به سبب تأخیر، پس اجمالاً در آن اشکالی نیست و قول به ثبوت آن مشهور است.

و تدلّ علیه صحیحة زرارة عن أبي جعفر عليه السلام: «الرجل يشتري من الرجل المتاع ثم يدعه عنده فيقول حتى آتيك بثمنه. قال: ان جاء فيما بينه وبين ثلاثة أيام و الا فلا بیع له»<sup>۱</sup> و غیرها.

و بر آن دلالت می‌کند صحیحة زرارة از امام باقر علیه‌السلام: «مردی از دیگری متاعی می‌خرد سپس آن را نزد او می‌گذارد و می‌گوید «نزد تو باشد» تا ثمن آن را بیاورم. حضرت فرمود: اگر در بین آن زمان تا سه روز آمد «پس معامله صحیح است»، و در غیر این صورت بیعی برای او نیست» و غیر این روایت.

و لا یضر ضعفها بعلی بن حدید فی أحد طریقی الکلینی بعد سلامة الآخر، بل بقية طرقها من ذلك.

۱. وسائل الشیعة ۱۲: ۳۵۶ الباب ۹ من أبواب الخيار الحدیث ۱.

و ضعیف بودن صحیحه به سبب علی بن حدید در یکی از دو سند کلینی، ضرر نمی‌زند بعد از این که سند دیگر او بلکه بقیه سندهای روایت از این ضعف سالم است.

و قد یقال: ان نفی الإمام علیه السلام البیع بقوله: «و الا فلا بیع له» يدل علی بطلان البیع اما من الأساس أو بعد الثلاثة دون ثبوت الخيار للبائع، و بذلك لا تكون دالة علی ما ذهب إليه المشهور.

و گفته می‌شود: این که امام علیه‌السلام بیع را با فرمایش خود که «در غیر این صورت بیعی برای او نیست» نفی فرموده، بر باطل بودن بیع از اساس یا بعد از سه روز دلالت می‌کند؛ بدون آن که برای فروشنده خیار ثابت کند، و با این بیان صحیحه بر آن چه مشهور به آن قائل شده‌اند، دلالت ندارد.

و یمكن الجواب بان المقصود تسهيل الأمر علی البائع و هو یتحقق بنفی اللزوم من ناحيته، کیف و هل یحتمل ان البائع لا یحق له الانتظار أكثر من ثلاثة متبرعاً؟

و ممکن است جواب به این که مقصود آسان کردن کار برای فروشنده است و آن با نفی کردن لزوم بیع از طرف او محقق می‌شود، چگونه این طور نباشد، و آیا احتمال داده می‌شود که فروشنده حق نداشته باشد که تبرعاً بیش از سه روز انتظار بکشد؟

Sco ۲۱۳:۱۹

### دلیل اشتراط عدم قبض عوضین

در شرایط ثبوت خیار تأخیر بیان شد که نباید هیچ یک از عوضین توسط طرفین قبض شده باشد و مشتری بدون پرداخت ثمن، مبیع را در نزد بایع باقی گذاشته باشد، دلیل این اشتراط تصریح صحیحه زراره می‌باشد که در آن آمده بود امام علیه‌السلام در صورتی بیع را از جانب بایع غیر لازم به شمار آوردند که طبق سوال راوی، متاع به قبض مشتری در نیامده و مشتری برای آوردن ثمن آن را در نزد بایع باقی گذاشته است.

### دلیل اعتبار عدم اشتراط تأخیر

در توضیح خیار تأخیر گذشت که این حق در صورتی برای بایع ثابت است که در معامله شرط تأخیر پرداخت ثمن نشده باشد و الا در حق بایع این خیار ثابت نیست. مستند این شرط عبارت است از این که صحیحه زراره که دلیل ثبوت خیار تأخیر می‌باشد، انصراف به صورتی دارد که چنین شرطی در آن قرار داده نشده است.

### تطبیق

۲- و اما اشتراط عدم قبض العوضین و لا أحدهما و ترک مشتری المبیع لدی البائع الی ان یجیئه بالثمن، فللتصریح بذلك فی الصحیحة المتقدّمة.

۲- و اما شرط عدم تحویل عوضین و نه هیچ یک از آن دو و ترک کردن مشتری مبیع را در نزد بایع تا این که ثمن را بیاورد، پس به دلیل تصریح به آن است در صحیحه‌ای که گذشت.

۳- و اما اعتبار عدم اشتراط التأخیر، فلأن ذلك هو المنصرف من الصحیحة.

۱. در زبان عربی به انجام کاری که برای انسان لازم و واجب نیست و از او خواسته نشده، بدون انتظار مزد و پاداش اطلاق «تبرعاً» می‌شود. به کتب لغت مانند مقائیس اللغة جلد اول صفحه ۲۲۱ و لسان العرب ج ۸ صفحه ۸ مراجعه شود.

و اما اعتبار شرط نکردن تأخیر، به دلیل این است که عدم اشتراط تأخیر چیزی است که از صحیححه استفاده می‌شود.

Sco<sup>۳</sup> ۱۵:۴۴

### دلیل لزوم تسلیم عوضین بعد از اتمام معامله

هر یک از متبایعین بعد از انجام معامله مالک چیزی می‌شوند که در معامله به ایشان منتقل شده است به عبارت دیگر بایع مالک ثمن و مشتری مالک مبیع می‌گردد. به همین دلیل هر یک از طرفین باید بدون تأخیر عوض را که طرف دیگر مالک آن شده است به او تسلیم نمایند و تأخیر در قبض آن بدون رضایت او قطعاً جائز نیست مگر این که ادعا شود معاملات به تأخیر در پرداخت عوض انصراف دارد که این ادعا ثابت نیست بلکه آنچه معاملات به آن انصراف دارد، پرداخت عوض بلافاصله و بدون تأخیر پس از انجام معامله می‌باشد.

### تطبيق

۴- و اما انه يلزم تسليم العوضين بعد تمامية المعاملة، فلأن كل طرف يملك بالمعاملة ما انتقل إليه فالتأخير من دون رضاه غير جائز الا مع الانصراف اليه، و هو غير ثابت بل الثابت عكسه.

۴- و اما این که تسلیم عوضین بعد از تمام شدن معامله لازم است، پس به این دلیل است که هر یک از طرفین معامله مالک چیزی که به او منتقل شده می‌شود، پس تأخیر بدون رضایت او جایز نیست مگر این که معامله به به آن انصراف داشته باشد، و انصراف معامله به تأخیر ثابت نیست بلکه عکس آن ثابت است.

Sco<sup>۴</sup> ۱۸:۴۷

### دلیل جواز فسخ در صورت امتناع هر یک از متبایعین از تسلیم عوض

یکی از اموری که در عرف عام به عنوان شرط عقد به صورت ضمنی وجود دارد این است که برای هر یک از متبایعین در صورت امتناع طرف مقابل از تسلیم عوض، حق خیار فسخ معامله محفوظ باشد. همان‌طور که در مباحث قبل گذشت شرط ضمنی، نافذ و عمل به آن واجب است. تحقق شرط ضمنی در عقود، بستگی به لفظ ویژه‌ای ندارد و هر امری در عرف عام به عنوان شرط عقد دلالت کند، شرط ضمنی به شمار می‌آید.

### تطبيق

۵- و اما انه يحق للآخر الفسخ على تقدير امتناع أحدهما، فذلك للاشتراط الضمني على احتفاظ كل منهما الخيار لنفسه على تقدير امتناع الآخر من التسليم.

۵- و اما این که بر فرض خودداری یکی از طرفین برای دیگری حق فسخ وجود دارد، پس آن به دلیل شرط ضمنی طرفین مبنی بر محفوظ بودن حق خیار برای هر یک از ایشان، در صورت امتناع دیگری از تسلیم عوض است.

Sco<sup>۵</sup> ۲۰:۳۲



## دلیل اختصاص اختیار تأخیر به بیع

ادله ثبوت اختیار تأخیر مانند صحیحۀ زراره و روایات دیگری<sup>۱</sup> که در این زمینه وارد شده است، اختصاص به عقد بیع دارد لذا دلیلی برای اثبات این اختیار در عقود دیگر وجود ندارد.

البته جواز فسخ معامله توسط هر یک از متبایعین در صورت امتناع طرف دیگر از تسلیم عوض، اختصاص به عقد بیع ندارد. زیرا وجه ثبوت این حق همان شرط ضمنی است که این وجه عام بوده و شامل عقود دیگر غیر از بیع نیز می‌شود.

FG

ثبوت اختیار تأخیر: شهرت فتوائی و صحیحۀ زراره و روایات دیگر.

اعتبار عدم قبض عوضین: تصریح به این اشتراط در صحیحۀ زراره.

اعتبار عدم اشتراط تأخیر: انصراف صحیحۀ زراره از فرض اشتراط تأخیر.

لزوم تسلیم عوضین بعد از اتمام معامله: مالکیت طرفین نسبت به عوضین بعد از انجام معامله.

جواز فسخ در صورت امتناع هر یک از طرفین از تسلیم عوض: شرط ضمنی.

اختصاص اختیار تأخیر به بیع: اختصاص صحیحۀ زراره به عقد بیع.

مستند احکام اختیار تأخیر

## تطبيق

۶- و اما اختصاص اختیار التأخیر بالبیع، فلاختصاص صحیحۀ زرارة السابقة و غیرها به، و هذا بخلاف جواز الفسخ علی تقدیر امتناع أحدهما من التسليم، فان نکته عامة لغير البيع أيضا.

۶- و اما اختصاص داشتن اختیار تأخیر به بیع، پس به دلیل اختصاص داشتن صحیحۀ زراره سابق و غیر صحیحۀ به آن است، و این بر خلاف جواز فسخ بنابر فرض خودداری یکی از آن دو از تسلیم است، زیرا دلیل ثبوت آن شامل غیر بیع نیز می‌شود.

Scot ۲۴:۰۶

۱. مرحوم شیخ حر عاملی در جلد ۱۸ از وسائل الشیعة، تمه کتاب المتاجر باب ۹ با عنوان «من باع و لم یقبض الثمن و لا قبض المبیع و لا اشتراط التأخیر فالبیع لازم ثلاثة ايام و للبايع الخيار بعدها» ۶ روایت را مطرح می‌کنند که تمامی این روایات اختصاص به عقد بیع دارد.

## چکیده

۱. فروشنده‌ای که کالایی را فروخته ولی هنوز آن را به خریدار تحویل نداده و بهای آن را نیز نگرفته است، چنانچه شرط تأخیر پرداخت بهاء و کالا نشده باشد معامله تا سه روز برای او لازم و بعد از آن برای او حق خیار ثابت است.
۲. به دلیل مالکیت متعاملین نسبت به چیزی که در معامله به ایشان منتقل شده است، تأخیر در تسلیم عوض بعد از انجام معامله جائز نیست.
۳. اگر یکی از طرفین از تسلیم عوض خودداری کند برای طرف دیگر حق فسخ معامله وجود دارد. زیرا هر یک از متعاملین در ضمن معامله برای خود این حق را محفوظ می‌داند که در صورت امتناع طرف مقابل از تسلیم عوض، خیار فسخ معامله را داشته باشد.
۳. حق فسخ معامله در صورت امتناع یکی از طرفین از تسلیم بر خلاف خیار تأخیر، اختصاص به عقد بیع ندارد.
۴. شهرت فتوائی و صحیحه زراره از جمله مستندات ثبوت خیار تأخیر می‌باشند.
۵. ضعف سندی صحیحه به سبب وجود علی بن حدید بعد از سلامت سند دیگر کلینی، در استناد به صحیحه زراره برای اثبات خیار تأخیر، ضرری نمی‌رساند.
۶. با توجه به این که مقصود از «و الا فلا بیع له» تسهیل امر برای بایع می‌باشد که با نفی لزوم بیع از جانب او محقق می‌شود، این احتمال که مراد امام علیه‌السلام از این کلام بطلان معامله از اساس یا بعد از سه روز باشد، مردود است.
۷. شرطیت عدم قبض عوضین در ثبوت خیار تأخیر به دلیل تصریح صحیحه زراره به آن است.
۸. صحیحه زراره به عنوان دلیل ثبوت خیار تأخیر انصراف به فرضی دارد که شرط تأخیر در پرداخت بهاء یا کالا نشده باشد.